

نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی (مطالعه موردی استان خوزستان)

منصور غنیان*، فضیله خانی**، مجتبی قدیری معصوم***

چکیده: علی‌رغم اهمیت منابع طبیعی و نقش تعیین‌کننده این ثروت‌های ملی در توسعه پایدار، بهره‌برداری غیراصولی از عرصه‌های گوناگون منابع طبیعی به زعم قابل‌تجدید بودن آن، امروزه تهدیدی بزرگ برای آینده محسوب می‌شود. بهره‌برداری صحیح و بهینه از این منابع خدادادی می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به توسعه پایدار در کشور گردد. نظر به اهمیت نقش زن روستایی در بهره‌برداری از عرصه‌های مختلف منابع طبیعی، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تخریبی، حفاظتی و احیایی زنان روستایی ساکن در مناطق بیابانی استان خوزستان و عوامل مرتبط با آن در سال‌های ۸۵ و ۸۶ انجام شد. روش پژوهش در این تحقیق از نوع پیمایش مقطعی و ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بوده و جامعه آماری در این پژوهش زنان روستایی ساکن در مناطق بیابانی استان بود. جهت تعیین نمونه آماری، از روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای کاملاً تصادفی استفاده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS انجام شد. براساس نتایج حاصله، زنان در کلیه فعالیت‌های حفاظتی، احیایی و تخریبی در منطقه نقش داشته و از سویی هیچ رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های شخصی آنان و فعالیت‌های حفاظتی، احیایی و تخریبی توسط آنها وجود ندارد، بدین ترتیب روشن می‌شود که فعالیت‌های تخریبی زنان عمدی نبوده، بلکه به اقتضای مکان زندگی، شرایط آب و هوایی محل سکونت خود و کمبود نقدینگی و عمدتاً به دلیل نداشتن آگاهی کافی به بهره‌برداری‌های غیراصولی اقدام می‌کنند. عدم وجود امکانات رفاهی و تسهیلات زندگی، جمعیت زیاد، چرای مفرط دام، استفاده از سوخت‌های سنتی در مناطق مورد مطالعه، سبب تخریب منابع طبیعی است. جهت کاهش سیر صعودی تخریب این منابع فراهم نمودن امکانات و ضروریات زندگی روستائیان، آگاه‌سازی و آموزش زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال، برگزاری کلاس‌های آموزشی همراه با استفاده از رسانه‌های جمعی در آگاه‌سازی و

* مربی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین (خوزستان) m_ghanian@yahoo.com

** دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران fazilehkhani@yahoo.co.uk

*** دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران mghadiri@ut.ac.ir

ایجاد حساسیت در روستاییان در خصوص جایگاه و نقش بیابان و عرصه‌های بیابانی در توسعه پایدار ملی امری ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، منابع طبیعی، توسعه پایدار، تخریب محیط زیست، بیابان.

مقدمه

ماهیت اشتغال در مناطق روستایی عمدتاً بر بهره‌برداری از زمین و منابع طبیعی متکی است. بدین ترتیب رابطه انسان با محیط، براساس نوع مناسبات بکار رفته در این سیکل معین می‌گردد. کشاورزی در روستاها، مهم‌ترین عرصه ارتباط انسان با محیط به‌شمار می‌رود. زنان روستایی مهم‌ترین بخش این فعالیت‌ها را بر عهده دارند. فعالیت‌های روزمره زنان در امور کشاورزی، دامداری، ماهیگیری، فرآوری و بازاریابی مواد غذایی، همگی شواهدی مبنی بر کلیدی بودن وجود زنان در تولیدات روستایی است. با این وجود، شناخت این واقعیت که مشارکت زنان امری الزامی و اجتناب‌ناپذیر است، همیشه منجر به این نمی‌شود که به آنان به عنوان بهره‌بردار نگریسته شود (خانی، ۱۳۷۵: ۲۰۰).

باید توجه داشت که بیشترین ارتباط زنان با محیط در روستاهاست، این ارتباط به شکل فعال و گسترده‌ای است، عمده‌ترین فعالیت‌های زنان در استفاده از منابع طبیعی در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری تجلی می‌یابد که تابعی از فعالیت‌های زنان روستایی و عشایری است. آنان در کارهای مربوط به کاشت، داشت و برداشت، فرآوری و فروش محصولات کشاورزی نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. در فعالیت‌های دامپروری نیز چه زمانی که نگهداری دام و تهیه محصولات آن به گونه‌ای معیشتی صورت می‌گیرد و چه زمانی که تولید بیشتر جهت عرضه به بازار مصرف باشد، وظیفه اصلی نگهداری، نظافت، انتقال فضولات، تیمار و تغذیه دام، تهیه شیر و فرآورده‌های لبنی و تهیه سوخت از مواد زاید دامی بر عهده زنان است. همچنین در فعالیت‌های پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل زنان نقش مهمی ایفا می‌کنند، بدین ترتیب می‌توان گفت آنها بهره‌برداران اصلی منابع بوده و بیشترین تماس را با طبیعت دارند. در برخی از کشورهای آفریقایی، زنان ۸۰ درصد کارهای مربوط به امور خانواده و تهیه مواد اولیه مورد نیاز مانند تهیه آب، چوب، زراعت برای تغذیه و مصارف روزانه خانواده را انجام می‌دهند. از این‌رو برای اینکه بتوان عرصه محیط زیست را حفظ کرد آموزش زنان بسیار اساسی است (لیون، ۱۳۸۱: ۲۸) و در این صورت است که می‌توان نقش‌های حفاظتی و حمایتی از این منابع را به آنان سپرد.

نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی ۱۲۱

توسعه روستایی به دلیل ویژگی‌های خاص خود، امروزه گروه‌های خاص روستایی از جمله زنان و جوانان را کانون توجه خود قرار داده است (غنیان، ۱۳۸۱: ۵۲). علی‌رغم اینکه زنان روستایی در ایران ۶۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی، ۶۳ درصد فعالیت‌های دامداری و عمده فعالیت‌های باغداری را بر عهده دارند (بینا، ۱۳۸۲: ۲۴) اما نقشی که آنان ایفاء می‌کنند، از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نامبری است (قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۲). با وجود این جایگاه سهم زنان روستایی از آموزش بسیار ناچیز است؛ به‌طور مثال در عرصه کشاورزی تنها یک درصد خدمات ترویجی با جامعه هدف زنان طراحی و اجرا می‌شود (غنیان، ۱۳۸۱: ۵۴). از این‌رو دستیابی به توسعه پایدار از طریق توجه به این بخش و تحول و توسعه نگرش زنان در جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی و حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی امکان‌پذیر است (بینا، ۱۳۸۲: ۲۲).

طرح مسئله

در مباحث پیرامون مدیریت منابع طبیعی و توسعه پایدار، زنان روستایی از دید برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به عنوان یکی از گروه‌های هدف مد نظر بوده و توانمندسازی آنان و زمینه‌های جلب مشارکت‌شان به‌عنوان بخش عظیمی از نیروهای انسانی ساکن روستاها از رؤس برنامه‌های مورد نظر سازمان‌های توسعه در کشورهای مختلف می‌باشند (غنیان و زرافشانی، ۱۳۷۵: ۲۷۰). می‌توان گفت در بین روستاییان زنان به دلیل وظایفی که بر عهده دارند بیشترین ارتباط را با منابع طبیعی داشته و در همین راستا بیشترین تخریب عرصه‌های طبیعی به دلیل ناآگاهی و عدم برخورداری از دانش و آگاهی کافی پیرامون اهمیت و جایگاه این عرصه‌ها در پایداری محیط توسط آنان صورت می‌گیرد (غنیان، ۱۳۸۱: ۶۱). زنان با داشتن فعالیت‌هایی چون جمع آوری هیزم، چرای دام، تهیه آب و... خطر پیش روی کویر و تخریب منابع طبیعی را بیشتر درک می‌کنند و می‌توان آنها را بهتر و ساده‌تر در امر حفاظت و احیاء منابع طبیعی راهنمایی کرد و به‌کار گرفت (بینا، ۱۳۸۲: ۳۹). مطالعات بر این نکته تکیه دارند که آگاهی زنان در مورد محیط و بنابراین رویکرد محافظه‌کارانه آنان امری ذاتی نیست که برخاسته از زن بودن آنها باشد. به نظر می‌رسد این امر ریشه در نقش‌ها و وظایف کاری آنان دارد که با منابع طبیعی جهت بقاء در ارتباطی تنگاتنگ است.

زنان و مردان نقش‌ها و مسئولیت‌های متمایزی در زندگی خود، خانواده و اجتماع دارند. آنها شناخت متفاوتی از دسترسی به منابع و کنترل روی منابع طبیعی دارند و در نتیجه از فرصت‌های متفاوتی در سهمی شدن در تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از منابع طبیعی برخوردارند. به عبارت دیگر به رسمیت نشناختن

جنسیت، نحوه فهم انسان‌ها را از محیط به شدت تحریف می‌کند. برای مثال اینکه چگونه تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از منابع طبیعی مؤثر است و اینکه چگونه فرسایش منابع به‌طور متفاوتی از زنان و مردان متأثر می‌شود و چه چیزی در سرتاسر جهان دغدغه‌های جنسیتی را تشکیل می‌دهد، از موضوعات قابل تأمل در این حوزه است. جنسیت مشخص می‌کند که زنان و مردان چه نقش‌های متفاوتی را در جامعه بازی می‌کنند و مناسبات قدرت آنان چگونه است. فهم صحیح واکنش جنسیت تحت تأثیر محیط نیازمند بررسی‌هایی در مورد نقش‌های جنسیتی، مسئولیت‌ها و نحوه دستیابی و کنترل منابع و همچنین توانایی تصمیم‌گیری در استفاده از منابع می‌باشد.

در این میان ریشه‌یابی علل تخریب و نابودی منابع طبیعی توسط بهره‌برداران، بررسی نیازها، خواسته‌ها و توانمندی‌های آنان، همچنین شناسایی راه‌های جلب مشارکت بهره‌برداران محلی در اجرای طرح‌های حفاظتی و احیایی منابع طبیعی، از جمله در نظر گرفتن نقش زنان در حفظ و احیاء عرصه‌های طبیعی باید مورد توجه جدی قرار گیرد. تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی و کاهش فشار بر عرصه‌های طبیعی نیز می‌تواند در این راستا مثمرتر باشد (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

بر همین اساس پژوهش حاضر به بررسی نقش زنان روستایی در امور حفاظتی، احیایی و تخریبی عرصه‌های طبیعی بیابانی استان خوزستان پرداخته است. حدود ۳۵۰ هزار هکتار از اراضی این استان شن‌زار بوده و همه ساله بر اثر فرسایش بادی وسعت آنها گسترش می‌یابد (شفیعی، ۱۳۸۰: ۵). از آنجا که بخش اعظم این تخریب توسط عرصه‌نشینان روستایی بالاخص زنان روستایی صورت می‌گیرد، این تحقیق در نظر دارد نقش زنان روستایی را در ارتباط با عرصه‌های طبیعی بررسی و با مشخص نمودن ابعاد آن نسبت به ارایه راهکارهای مناسب در این زمینه اقدام نماید.

هدف کلی این مطالعه بررسی نقش زنان روستایی در تخریب، حفاظت و احیای منابع طبیعی تجدید

شونده عرصه‌های بیابانی استان خوزستان می‌باشد. اهداف اختصاصی مطالعه عبارتند از:

- بررسی میزان آگاهی زنان در زمینه منابع طبیعی تجدید شونده؛
- تعیین میزان مشارکت زنان در امور حفاظتی منابع طبیعی؛
- بررسی میزان شرکت زنان روستایی در احیاء منابع طبیعی؛
- شناسایی اقدامات منجر به تشدید فرایند تخریب منابع طبیعی از سوی زنان روستایی؛
- بررسی دلایل گرایش یا عدم گرایش زنان به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سوخت‌های سنتی؛
- شناسایی موانع و تنگناهای مرتبط با آموزش زنان روستایی در زمینه منابع طبیعی.

مبانی نظری

اثرات و پیامدهای سرمایه‌داری صنعتی بر محیط‌نهنها در غرب بلکه از طریق فعالیت شرکت‌های چند ملیتی در سرتاسر جهان گسترش یافته است. بر اساس این رابطه جامعه به طبیعت به‌عنوان منابعی می‌نگرد که باید از آن بهره‌برداری بیشتر شود و یا کالای ارزانی است که تنها محدودیت بهره‌برداری از آن را سطح فن‌آوری تعیین می‌کند (هاتفیلد^۱، ۲۰۰۳: ۸). در این رابطه الیوت بنا بر تصویری که از زنان در متونش نمایش می‌دهد، آنان را قربانیان تمدن شکست‌خورده غربی معرفی می‌کند (الیوت و دیگران^۲، ۲۰۰۷). متون مربوط به توسعه و محیط زیست به‌طور خاص بر این نکته تأکید دارند که کار زنان عمدتاً با محیط مرتبط است و اکثر این فعالیت‌ها با تخریب محیط سخت‌تر می‌شوند (ونکاتسواران^۳، ۱۹۹۵: ۱۲). به‌نظر می‌رسد بحث در خصوص غفلت از زنان و محیط زیست و ارتباط بین این دو در فرایند توسعه از دو جنبه قابل بررسی است: یکی از نقطه نظر آنچه که آگاهی اکولوژیکی زنان را تشکیل می‌دهد و دیگر از جهت اثرات نامطلوب تخریب محیط بر زنان. ونکاتسواران (۱۹۹۵) از این بحث می‌کند که تفاوت‌های جنسیتی در دانش استفاده از گیاهان، با تقسیمات جنسیتی کار و استفاده از فضای جنسیتی شده ارتباط دارد، از این رو می‌توان از دانش زنان برای استفاده و حفظ گونه‌های گیاهی بهره‌های فراوانی برد. برای مثال در رواندا تحقیقات کشاورزی از دانش زنان کشاورز به منظور توسعه گونه‌های جدید محصول باقلا و محصولات تولید شده توسط زنان نشان می‌دهد که این محصولات به لحاظ سازگاری بیشتر نسبت به محصولات کشت شده مردان موفقیت بیشتری داشته‌اند که علت آن را می‌توان در دانش زنان در مورد اکوسیستم جستجو کرد (هاتفیلد^۴، ۲۰۰۳: ۱۲۳). شیوا^۵ (۱۹۸۸) بر این نکته اشاره دارد که آگاهی‌های خاص زنان در خصوص موضوعات اکولوژیکی احتمالاً آنها را مدیران بهتر در رابطه با اداره منابع طبیعی می‌سازد.

مومسن^۶ (۱۹۳۳: ۲۰۰۶) معتقد است که زنان در بیشتر جوامع و فرهنگ‌ها نقش بسیار مهمی در حفاظت از تنوعات زیستی کشاورزی (تنوع مواد غذایی موجود در خاک) دارند. مردان و زنان اغلب دانش متفاوتی در

1. Hatfield

2. Eliot and et.al.

3. Venkateswaran

4. Hatfield, Susan Buckingham

5. Shiva, Vandana

6. Momsen, Janet Henshall

شناخت گیاهان دارویی و طبی دارند. دانش زنان در مورد گیاهان در زمینه کاربرد آنها در معالجه بیماری‌ها است و دانش مردان بیشتر در زمینه شناخت علف‌های هرز و مهار آنها است. برای مثال در شمال تایلند در منطقه کارن مردان فقط یک سوم از گونه‌های گیاهی جمع‌آوری شده توسط زنان را می‌توانند شناسایی و جمع‌آوری کنند. بنابر نظر کلر^۱ (۱۹۸۵) در بیشتر مناطق دنیا مردان نقش بیشتری در بهره‌برداری از منابع طبیعی به منظور استفاده‌های تجاری دارند، مانند استفاده از چراگاه‌های احشام، ماهیگیری، استخراج معادن و بهره‌برداری‌های گوناگون از فراورده‌های درختان. در عین حال اگر چه زنان و مردان هر دو در فعالیت‌های اقتصادی مانند کشاورزی دخیل هستند، زنان مسئولیت‌های اضافی خانگی را نیز بر عهده دارند. رودا^۲ (۱۹۹۷) از این بحث می‌کند که زنان در سرتاسر جهان به انحاء مختلف در فعالیت‌های حیاتی برای بقای بشر دخالت دارند. بنابر نظر باردهان^۳ هر منطقه با توجه به شرایط خاص اقلیمی و نوع کشت، نیروی کار زنان را به نحو خاصی می‌طلبید (باردهان، ۱۹۸۴).

همچنین ارتباط بین زنان و محیط می‌تواند به طرز چشمگیری بین زنان از گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی یا طبقات جمعیتی تغییر ایجاد کند. در عین حال پیوستگی نزدیک بین زنان و منابع طبیعی ابتدا در فضای روستا و به خصوص در میان زنان خانواده‌های متوسط و غیر مرفه رخ می‌دهد. برای این زنان چنین پیوستگی ناشی از نقش‌های اجتماعی و اقتصادی است که نسل در نسل آنها را در جهت تأمین مواد غذایی، آب، سوخت و کسب درآمد از منابع طبیعی پیرامونی آموخته کرده است. ایفای چنین نقش‌هایی به آنها درک خاصی از منابع طبیعی بخشیده و به آنها اجازه داده که حساسیت بیشتری را داشته باشند. این آگاهی در میان مردان و همین‌طور در میان زنان روستایی از خانوارهای مرفه که عموماً چنین نقش‌هایی را بر عهده ندارند، متفاوت است. بنابراین وظایف خاصی که زنان فقیر بر عهده دارند و اساس دانش و مهارت آنان را می‌سازد، پیامد ایفای چنین وظایفی در طی سال‌های متمادی است که درک آنها را در موضوعات اکولوژیکی و در مدیریت منابع طبیعی ارتقاء می‌بخشد (مومسن، ۲۰۰۶: ۱۳۹).

از سوی دیگر بیشترین مطالعات در خصوص زنان و در جهان سوم، بر زنان به عنوان قربانیان تخریب محیط تأکید دارد (خانی، ۱۳۸۵: ۳۱). چرا که تخریب محیط زیست بیشترین آسیب را به زندگی زنان وارد

1. Keller, Evelyn F.

2. Roda

3. Bardhan

می‌کند. مطالعات در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد استفاده از سوخت‌های فسیلی و سنتی تأثیر زیادی بر عفونت‌های شدید تنفسی کودکان، برنشیت مزمن و آسم، سرطان ریه و مشکلات بارداری دارد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که قرار گرفتن در معرض آلاینده‌های خانگی سالانه ۲/۲ میلیون نفر را به کام مرگ می‌کشاند. مطالعه دیگری در هند، نپال و قسمتی از گینه‌نو بیانگر این است که زنان غیر سیگاری که برای مدت طولانی با بخاری‌های چوبی آشپزی می‌کنند در معرض شیوع بالایی از بیماری‌های مزمن ریه (آسم، برنشیت مزمن) قرار دارند. دود خانگی با مشکلات بارداری مانند به دنیا آوردن جنین مرده و یا افزایش تولدهایی با وزن خیلی زیاد یا خیلی کم به میزان زیادی ارتباط دارد. از سوی دیگر بسیاری از زنان و مردان مجبورند به دلیل کاهش میزان حاصل‌خیزی زمین به خاطر برداشت‌های بی‌رویه یا فرسایش خاک رژیم غذایی خود را تغییر دهند. علاوه بر این تخریب جنگل، محیط زندگی و اراضی کشت معیشتی آنان را به خطر می‌اندازد، پیشروی کویر کشاورزی آنان را منهدم کرده و دسترسی به آب را برای آنها مشکل می‌سازد و فقدان آب سالم نیز کودکان آنان را با خطر بیماری و مرگ روبرو می‌سازد. مجموعه این عوامل سبب می‌شود که بخش عظیمی از مردان در پی کسب معاش به شهرها مهاجرت کنند و زنان را در مکان زندگی به همراه کودکان رها کنند و یا زنان نیز به همراه خانواده مهاجرت کرده و در زاغه‌های شهری زندگی فلاکت‌باری را تجربه کنند (روانبخش، ۱۳۸۳: ۷).

علاوه بر این ناهنجاری و آلودگی محیط زیست اعم از خشکسالی، بیابان‌زایی، ویرانی‌های ناشی از جنگ، بلایای طبیعی، پس‌مانده‌های سمی و فرآورده‌های شیمیایی کشاورزی اثرات ناگواری بر زنان و کودکان به‌ویژه در مناطق روستایی به‌جا می‌گذارد. به همین ترتیب اثرات تخریب محیطی با شدت بیشتری توسط زنانی که برای ادامه حیات با آن در ارتباطند احساس می‌شود. حتی در مواردی از مخاطرات محیطی، مانند آلودگی صدا، حمل و نقل جاده‌ای، صنایع و استفاده از مواد سمی که ممکن است همه افراد در معرض خطر قرار گیرند؛ زنان به‌دلیل نقش‌های بیولوژیکی و یا تفاوت‌ها در درآمد و دسترسی کمتر به خدمات بهداشتی-درمانی، بیشتر در معرض آسیب‌اند. تجارب جهانی نشان داده است که احتمال در فقر بودن زنان به مراتب بیشتر از مردان است به‌خصوص زمانی که آنان خودسرپرست یا سالخورده باشند (همان).

تجارب در خصوص رابطه زنان با محیط زیست

غالب مطالعات نشان می‌دهد که برخلاف نقش اصلی زنان در فعالیتهایی که با محیط در ارتباط است و اثرات برجسته تخریب محیط بر زنان، آنها کاملاً در حاشیه سیاست‌ها و برنامه‌هایی که در پی مدیریت محیط هستند قرار می‌گیرند (ونکاتسواران، ۱۹۹۵: ۲۲۳).

مصاحبه انجام گرفته با زنان در مناطق روستایی هند نشان می‌دهد که محدود ساختن دسترسی به زمین‌های عمومی برای جلوگیری از فرسایش و تقویت پوشش گیاهی منطقه، موجب کاهش دسترسی آنان به هیزم جهت سوخت شده است. نیمی از زنان روستایی اظهار داشته‌اند که آنها باید بیش از گذشته جهت گردآوری سوخت پیاده‌روی کنند، اکثر آنها گفتند که آنها بیش از گذشته باید به دنبال مواد سوختی جایگزین باشند، آنها باید مواد را از بازار خریداری کنند و یا حتی آنها را از زمین‌های دیگران سرقت کنند.

زنان همچنین بر این نکته تأکید داشتند که بستن این زمین‌ها به‌رویشان، موجب از دست رفتن دسترسی آنان به انواع منابع درآمدی می‌شود که آنها مستقل از مردان به کنترل آنها می‌پرداختند. یک سوم از زنان روستا ادعا کردند که این زمین‌ها درآمدی را از بابت جمع‌آوری گیاهان و تولید محصولاتی مانند داروهای گیاهی برای آنان ایجاد می‌کرده است و یا با جمع‌آوری گیاه از نيزارها به تولید صنایع دستی و حصیر می‌پرداختند. همچنین تعداد محدودی از زنان به میزان محدودی بز نگهداری می‌کردند که هنگام جمع‌آوری گیاهان دارویی آنها را در زمین رها می‌کردند، اما با بسته شدن این زمین‌ها، زنان می‌بایست برای آنها علف جمع‌آوری می‌کردند. به‌طور غیرمستقیم این امر موجب کاهش درآمد زنان شده و کار بیشتری را بر آنان تحمیل می‌کرده است. نکته مهم اینکه با بسته شدن این اراضی به روی زنان و تعطیل شدن بیشتر فعالیت‌های آنان هیچ جایگزینی برای جبران کاهش درآمد آنان تعیین نگردید (کر^۱، ۲۰۰۲).

مطالعه دیگری در کنیا در منطقه خشک و نیمه خشک دره ریفت، که منبع اصلی تأمین آب به‌خصوص در فصل خشک برای دامدارانی است که به‌طور گروهی زندگی می‌کنند؛ نشان می‌دهد که درختان و جنگل‌ها به‌عنوان منبع مشترک آنان برای تهیه هیزم، چرای دام و ساخت حصار و داروها به‌شمار می‌رود. اما افزایش روز افزون جمعیت و چرای بی‌رویه دام، الگوی استفاده از جنگل، خشک‌سالی و تقاضای زیاد شهری برای الوار و هیزم جهت ساخت وسایل و سوخت موجب تخریب شرایط شده است. از این رو مردم برای حفظ منابع و بهبود شرایط کمیته‌های ناظر روستایی را تشکیل دادند که زنان نقش فعالی در تولید و بازاریابی محصولات غیر چوبی مانند عسل بر عهده گرفتند که کسری درآمد را جبران کرده و منبع درآمد جدیدی را ایجاد نمایند (فرینگتون^۲، ۱۹۹۹).

1. Kerr

2. Farington

نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی ۱۲۷

روش تحقیق

روش به‌کار رفته در این تحقیق از نوع پیمایشی مقطعی و ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد که حاوی ۵۲ سؤال است، مجموعه سؤالات پرسشنامه مذکور شامل پرسش‌های چند گزینه‌ای با حق انتخاب بیش از یک گزینه، سؤالات باز و توضیحی و نیز پاره‌ای از سؤالات در قالب مقیاس لیکرت با طیف ۵ گزینه‌ای استفاده شد که روایی صوری و ساختاری آن توسط صاحب‌نظران و کارشناسان تأیید شد. به منظور تکمیل اطلاعات از مشاهده، مصاحبه و مطالعات کتابخانه‌ای کمک گرفته شد. جهت انتخاب نمونه آماری از روش دو مرحله‌ای کاملاً تصادفی استفاده شد که با استفاده از فرمول کوکران در مجموع ۱۳۰ نمونه آماری از زنان روستایی شهرستان‌های شوش، اهواز و دشت آزادگان که بهره‌برداری از عرصه‌های طبیعی بیابانی را بر عهده داشتند انتخاب و پرسشنامه مورد نظر را تکمیل نمودند. فرضیه‌های این تحقیق عبارت بودند از:

- بین میزان آگاهی و شناخت زنان روستایی از اهمیت، نقش و جایگاه بیابان در توسعه پایدار و فعالیت‌های تخریبی آنان در عرصه‌ها رابطه وجود دارد؛
- بین ویژگی‌های فردی زنان با میزان سهم آنان از فعالیت‌های تخریبی، حفاظتی و احیایی در عرصه‌های طبیعی رابطه وجود دارد؛
- میزان برخورداری منطقه از تسهیلات و خدمات زیربنایی و رفاهی بر میزان مشارکت و سهم زنان در فعالیت‌های تخریبی، حفاظتی و احیایی مؤثر است؛
- اختلاف معنی‌داری از نظر تمایل و استقبال از برنامه‌های آموزشی و ترویجی در بین زنان بر اساس ویژگی‌های فردی آنها وجود دارد.

سیمای جغرافیایی، طبیعی و انسانی استان خوزستان

استان خوزستان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۴۲۷۴۹۷۹ نفر جمعیت دارد که از این تعداد ۲۰۹۰۰۱۱ نفر زن می‌باشند و تعداد ۶۷۳۸۲۹ نفر زن در مناطق روستایی استان ساکنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). واقع شدن استان خوزستان در همسایگی با کشورهای بیابانی منطقه و قرار گرفتن در مسیر طوفان‌های شن حاره‌ای از یک‌سو و آب و هوای گرم و سوزان استان باعث گردیده این استان علی‌رغم برخورداری از پتانسیل‌های مناسب

در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی، با محدودیت‌های گسترده‌ای در راستای بهره‌برداری بهینه از این توان روبرو باشد. حدود ۳۵۰ هزار هکتار از اراضی استان خوزستان را شن‌زارها تشکیل می‌دهند و همه ساله بر اثر فرسایش بادی وسعت آنها گسترش می‌یابد که به دو صورت تپه‌های شنی فعال و شن‌زارهای تقریباً مسطح و غالباً محصور بین مجموعه‌ای از تپه‌های شنی دیده می‌شوند (شفیعی، ۱۳۸۰: ۶). روند روبه‌رشد بیابان‌زایی در کنار فعالیت‌های کم‌اثر و محدود بیابان‌زدایی و جلوگیری از گسترش بیابان، نه تنها زندگی ساکنان منطقه را در خطر قرار داده، بلکه آینده محیط زیست انسانی، جانوری و گیاهی و همچنین صنایع استراتژیک منطقه را با تهدید جدی روبرو ساخته‌است. از این رو ضرورت و اهمیت اتخاذ راهکارها و تدوین برنامه‌های مناسب در این زمینه با محوریت مردم محلی و مشارکت آنان امری انکارناپذیر است.

یافته‌ها

منطقه مورد مطالعه دارای ویژگی‌های جغرافیایی و مردم‌شناختی خاص می‌باشد. عمده‌ترین ممر درآمد خانوار به ترتیب اهمیت؛ دامداری، باغداری، زراعت و تبادلات با کشورهای همسایه می‌باشد. نظام جامعه از نوع قبیله‌ای و خانواده از نوع پدری گسترش یافته می‌باشد.

جامعه آماری این مطالعه زنان (بالتر از ۱۰ سال) ساکن در نواحی روستایی شهرستان‌های مناطق بیابانی استان خوزستان (شوش، اهواز و دشت آزادگان) بودند که به‌طور مستقیم درگیر بهره‌برداری از عرصه‌های طبیعی منطقه می‌باشند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای تعداد ۱۳۰ نفر از آنان به عنوان نمونه آماری مورد پرسش قرار گرفتند. علاوه بر شاخص‌های اصلی مطالعه، مهم‌ترین ویژگی‌های مرتبط با پژوهش در بین آنان به صورت زیر است:

- سن: ۷۰/۸ درصد (۵۷ نفر) در گروه سنی ۱۰-۳۰ سال، ۲۴/۶ درصد (۳۲ نفر) ۳۱-۵۰ سال و ۳/۸ درصد (۵ نفر) بالای ۵۰ سال سن داشتند.

- سواد: ۷۸/۴ درصد افراد مورد مطالعه بی‌سواد و یا کم‌سواد (کمتر از پنجم ابتدایی) بوده و تنها ۳ نفر آنان تحصیلاتی بیش از دیپلم داشتند.

- شغل: ۷۶/۲ درصد از زنان مورد مطالعه خانه‌دار و به‌طور مستقیم درگیر فعالیت‌های مرتبط با عرصه‌های بیابانی (بهره‌برداری) بوده و مابقی به‌طور غیرمستقیم (استفاده از تولیدات) با این عرصه‌ها ارتباط داشتند.

(۱) یافته‌های توصیفی

۱-۱) **میزان آشنایی با منابع طبیعی:** نظر به اینکه شناخت و اطلاع از عرصه‌های طبیعی و اهمیت آنها در توسعه پایدار از سوی بهره‌برداران، اولین شرط در موفقیت برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با آن است، از جمعیت نمونه تحقیق پرسیده شد که کدامیک از عرصه‌های چهارگانه (جنگل، مرتع، بیابان، بیشه‌زار) جزء عرصه‌های طبیعی محسوب می‌شوند؟ توزیع پاسخ‌ها نشان‌دهنده این موضوع مهم است که تنها ۳۳/۷ درصد و ۱۰ درصد پاسخگویان به ترتیب بیابان و بیشه‌زار را یکی از عرصه‌های طبیعی قلمداد می‌کنند (جدول ۱). این در حالی است که عمده عرصه طبیعی موجود در محل زندگی آنان به ترتیب بیابان و بیشه‌زار می‌باشد. از آنجا که کلیه موارد فوق جزء عرصه‌های منابع طبیعی تجدید شونده می‌باشند، پاسخ‌های منفی داده شده بیان‌گر عدم اطلاع زنان از ابتدایی‌ترین اطلاعات در خصوص منابع طبیعی می‌باشد.

جدول (۱) وضعیت آگاهی زنان و شناخت آنان از منابع طبیعی تجدید شونده

نوع پاسخ		بلی		خیر	
آماره		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
عرصه‌های منابع طبیعی					
جنگل		۶۲/۳	۸۱	۳۶	۲۷/۷
مرتع		۴۷/۷	۶۲	۵۵	۴۲/۳
بیابان		۳۳/۸	۴۴	۷۳	۵۶/۲
بیشه‌زار		۱۰	۱۴	۱۰۳	۷۹

* اختلاف فراوانی از ۱۳۰ (کل نمونه آماری) مربوط به افرادی است که به سؤال پاسخی نداده‌اند.

۲-۱) شیوه‌های بهره‌برداری از عرصه‌های طبیعی: بدون شک کاربردهای فراوانی را می‌توان برای

عرصه‌های بیابانی برشمرد. با توجه به گونه‌های گیاهی و رستنی‌های منطقه مورد مطالعه، از افراد خواسته شد نحوه و مواد استفاده هریک از این گونه‌ها را بیان نمایند. جدول (۲) نشان‌دهنده انواع استفاده‌هایی است که زنان منطقه مورد مطالعه از عرصه‌های بیابانی روستای خود به عمل می‌آورند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، درختان و درختچه‌های فوق که عمده‌ترین پوشش گیاهی منطقه هستند با توجه به شرایط جوی حاکم بر منطقه عمدتاً به عنوان سایه‌بان مورد استفاده بودند. مصرف این گیاهان به عنوان سوخت، مصرف دارویی و تعلیف دام نیز درصد نسبتاً بالایی را به خود اختصاص داده است. نکته مهم آن است که سرشاخه‌های جوان و

۱۳۰ پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷

بخش سبز در این میان بیشترین مصرف را داشته و بدین منظور جهت استفاده از این بخش کل درخت یا درختچه قطع و قسمت چوب آن نیز به مصرف سوخت می‌رسد.

تمامی این موارد بهره‌برداری، با توجه به زمان و نحوه برداشت، آسیب‌های جدی را متوجه پوشش گیاهی منطقه و نهایتاً کارکرد پراهمیت آنان در حراست از گسترش بیابان و مهار طوفان‌های شن می‌نماید، اما عدم آگاهی ساکنان از یک‌سو و نبود امکانات جایگزین از سوی دیگر، امکان بهبود وضع را با دشواری همراه کرده است. برای مثال ۹۶٪ افراد مورد مطالعه علاقمند به جایگزینی و استفاده از سوخت‌های فسیلی بودند، در حالی که ۸۴/۶ درصد از این افراد نبود جایگاه فروش و عرضه سوخت‌های فسیلی در روستا را مانع تحقق این امر قلمداد نمودند.

جدول (۲) نوع بهره‌برداری از درختان و درختچه‌های منطقه توسط زنان روستایی

نوع استفاده	سوخت و هیزم		دارویی		تعلیف دام		مصالح ساختمانی		سایه بان		خوراکی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
اکالیپتوس	۴۴/۶	۵۸	۵۰	۶۶	۱۱/۵	۱۵	۸/۵	۱۱	۱۰/۷	۸۲/۳	-	-
نخل	۶/۹	۹	۴/۶	۶	-	-	-	-	۹۴	۷۲/۳	۱۱۰	۸۴/۶
کنار	۲۰	۲۶	۲۳/۱	۳۰	۳/۱	۴	۲/۳	۳	۹۲	۷۰/۸	۹۲	۷۰/۸
آکاسیا	۱۹/۲	۲۵	-	-	۹/۲	۱۲	۱/۵	۲	۶۶	۵۰/۸	-	-
کهور	۲۶/۲	۳۴	-	-	۲۷/۷	۳۶	۱/۵	۲	-	-	-	-

* پاسخگویان در این سؤال آزادی انتخاب بیش از یک گزینه را داشتند.

تعلیف دام از مهم‌ترین فعالیت‌های مرتبط با موضوع است که به دلیل اهمیت و جایگاه دام - مهم‌ترین عامل تولید اقتصادی در منطقه - چندان به نقش تخریبی آن بر عرصه‌های طبیعی از سوی پاسخ‌دهندگان اشاره نشده است، اما مشاهدات مستقیم و گزارش‌های رسمی سازمان‌های مرتبط حاکی از تأثیر زیاد این فاکتور بود. از این‌رو نحوه استفاده از عرصه‌ها در این زمینه نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جدول (۳) آمده است.

از دیگر اشکال بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی؛ چرای دام مفرط، مدیریت نشده و نامناسب از نظر زمان می‌باشد، که در این رابطه ۴۹/۵ درصد از زنان مورد مطالعه خود یا دخترشان اقدام به چراندن دام‌ها در مراتع می‌نمودند و این در حالی بود که اکثریت قریب به اتفاق آنها (۹۳/۱ درصد) پروانه "چرا" را نمی‌شناختند و ۹۵/۴ درصد از نمونه مورد مطالعه فاقد این پروانه بودند.

نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی ۱۳۱

جدول (۳) شیوه‌های رایج تعلیف دام در منطقه مورد مطالعه

کاشت علوفه		خرید علوفه از بازار		رها کردن دام در مرتع یا جنگل‌های دست کاشت		چراندن در مراتع یا جنگل‌های دست کاشت		نحوه تأمین علوفه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	آماره فعالیت
۵۲/۳	۶۸	۴۳/۸	۵۷	۳۷/۷	۴۹	۶۲/۳	۸۱	انجام می‌شود
۲۳/۱	۳۰	۳۱/۵	۴۱	۳۷/۷	۴۹	۱۳/۱	۱۷	انجام نمی‌شود
۲۴/۶	۳۲	۲۴/۶	۳۲	۲۴/۶	۳۲	۲۴/۶	۳۲	بی‌پاسخ

تأثیرگذاری هر چه بیشتر این زنان در تخریب آن‌گاه روشن‌تر خواهد شد که بدانیم این افراد از تاریخ چرای مجاز در استان خوزستان (اول دی‌ماه هر سال تا ۱۰ فروردین سال بعد) بی‌اطلاع بوده و طبق اظهارات خودشان در تمام سال مگر مواقعی که مراتع فاقد علوفه باشند از چراندن دامها در مراتع ابایی نداشته و حتی در صورت قرق‌بودن عرصه در غیاب قرقبان دامها را وارد مراتع می‌کنند.

۳-۱) میزان مشارکت در برنامه‌های احیا و حفاظت از منابع طبیعی: نظر به اینکه در استان خوزستان

صنایع مهمی از جمله صنایع نفت، فولاد و کشت و صنعت‌های عظیم در مناطق بیابانی و یا مجاورت آن واقع است، فعالیت‌های حفظ و احیاء که مهم‌ترین آنها در جدول (۴) ارایه شده، اخیراً مورد توجه واقع شده‌است و سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط برنامه‌هایی را با محوریت مشارکت جوامع محلی به اجرا گذاشته‌اند. بر این اساس میزان مشارکت زنان منطقه در این برنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد اکثریت قریب به اتفاق زنان منطقه در این برنامه‌ها مشارکت بسیار کمی داشته‌اند (جدول ۴)، که یکی از دلایل عدم موفقیت این برنامه‌ها تا کنون همین مسئله بوده است.

جدول (۴) میزان شرکت زنان روستایی مورد مطالعه در فعالیتهای حفاظتی - احیایی منابع طبیعی

میزان مشارکت	بسیار کم		کم		متوسط		زیاد		بسیار زیاد		بی پاسخ	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
مالچ پاشی	۸۷/۷	۱۱۴	۲	۱/۵	۲	۱/۵	-	-	-	-	۱۲	۹/۲
ممانعت از ورود دام	۸۶/۲	۱۱۲	۴	۳/۱	۲	۱/۵	-	-	-	-	۱۲	۹/۲
تولید نهال	۸۰	۱۰۴	۲	۱/۵	۱۰	۷/۷	۲	۱/۵	۱	۰/۸	۱۱	۸/۵
کاشت نهال	۸۳/۸	۱۰۹	۳	۲/۳	۵	۳/۸	۲	۱/۵	-	-	۱۱	۸/۵
هرس	۸۶/۲	۱۱۲	-	-	۴	۳/۱	۱	۰/۸	-	-	۱۳	۱۰
کودپاشی	۸۹/۲	۱۱۶	۱	۰/۸	-	-	-	-	-	-	۱۳	۱۰
جمع آوری بذر	۸۷/۷	۱۱۴	۲	۱/۵	۱	۰/۸	-	-	-	-	۱۳	۱۰
بذرپاشی	۹۰	۱۱۷	۱	۰/۸	-	-	-	-	۱۱	۸/۵	۱۱	۸/۵

در همین راستا سازمان منابع طبیعی استان در ارتباط با ارتقاء سطح دانش و آگاهی عموم و به ویژه بهره‌برداران منابع طبیعی برنامه‌های رادیو و تلویزیونی را با پوشش استانی آرایه می‌نماید، اما متأسفانه این برنامه‌ها بنا به دلایل متعددی از جمله نامناسب بودن زمان پخش، نامناسب بودن محتوا، عدم توجه به مسایل فرهنگی از جمله گویش‌ها و زبان‌های محلی در برنامه‌ها و عدم اطلاع‌رسانی مناسب نسبت به برنامه‌ها، نتوانسته‌است نتایج مطلوبی را حاصل نماید. در همین حال افراد مورد مطالعه با توجه به تجربه مثبت در گذشته تمایل خود را به شرکت در کلاس‌های آموزشی مرتبط به شرط حضور مدرس خانم ابراز داشته‌اند که متأسفانه در این زمینه تا کنون تنها یک کلاس یک روزه در یکی از روستاهای مورد مطالعه برگزار شده بود.

ب) یافته‌های استنباطی

برای پی بردن به رابطه عوامل مختلف بر فعالیتهای تخریبی، حفاظتی و احیایی انجام شده توسط زنان مورد مطالعه آزمون همبستگی انجام شد (جدول ۵).

جدول (۵) رابطه بین ویژگی‌های فردی با فعالیت‌های حفاظتی، احیایی و تخریبی زنان

فعالیت‌های تخریبی		فعالیت‌های حفاظتی		فعالیت‌های احیایی		متغیر وابسته
ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	آماره متغیر مستقل
-۰/۱۱	۰/۴۱	-۰/۱۵	۰/۴۹	-۰/۰۶	۰/۵۴	سن
-۰/۲۴	۰/۰۶	-۰/۰۳	۰/۸۷	-۰/۰۵	۰/۶۰	تحصیلات
۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۶۶	۰/۰۵	۰/۶۰	بُعد خانوار

عدم وجود رابطه معنی‌دار در کلیه موارد فوق نشان می‌دهد هیچ یک از متغیرهای مستقل سبب کاهش یا افزایش فعالیت‌های تخریبی، حفاظتی و احیایی زنان نشده‌اند که این مطلب را می‌توان مرتبط با عدم آگاهی اکثریت زنان برای شرکت در فعالیت‌های احیایی-حفاظتی و لزوم تأمین نیازهای اولیه زندگی‌شان ذکر نمود. به عبارت دیگر تمامی افراد فارغ از ویژگی‌های شخصی و وضعیت خانوادگی به دلیل نیاز به استفاده از این منابع و کمبود منابع بدیل از یک سو و ناآگاهی از برنامه‌های حفاظتی-احیایی و عدم درک اهمیت بهره‌برداری پایدار از این منابع، تلاشی در راستای حفظ، احیاء و بهره‌برداری مناسب از این منابع به عمل نمی‌آورند.

جدول (۶) مقایسه میانگین سنی افراد مورد مطالعه با هر یک از متغیرهای وابسته

ت آماره	میانگین سن (سال)	متغیر مستقل
-۵/۲۷**	۲۹/۷۶	علاقه به شرکت در کلاس
	۴۳/۷۸	عدم علاقه به شرکت در کلاس
-۵/۴۷**	۲۵/۲۹	علاقه به همکاری با منابع طبیعی
	۳۸/۳۰	عدم علاقه به همکاری با منابع طبیعی

** معنی‌داری در سطح ۱٪

بین میانگین سن زنان و علاقمندی آنان به شرکت در برنامه‌ها و کلاس‌های آموزشی تفاوت معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. یعنی هر چه میانگین سن افراد بیشتر می‌شود علاقه آنان به شرکت در کلاس آموزشی کمتر می‌شود. این نتیجه قابل تعمیم به علاقه زنان به همکاری با اداره منابع طبیعی می‌باشد (جدول ۶).

همچنین نتایج نشان می‌دهد که زنانی که از عرصه‌های طبیعی شناخت و آگاهی بیشتری داشته‌اند، علاقه بیشتری به مشارکت در این برنامه‌ها دارند، اما بنا به دلایلی از جمله نامناسب بودن زمان برگزاری دوره‌ها، استفاده از مروجان و مدرسان مرد، گویش غیرمحلی (فارسی) مدرسان و ناآشنایی زنان با آن، حجم زیاد فعالیت‌های زنان و نیز مخالفت خانواده این علاقه به شکل بالفعل در نمی‌آید.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصله نکاتی را در ارتباط با فرضیات تحقیق بیان می‌دارد:

علی‌رغم جوان بودن اکثر افراد مورد مطالعه، تعداد زیادی از آنها بی‌سواد یا کم‌سواد بودند؛ این امر به دلیل عدم دسترسی به دبستان‌های دخترانه در روستاهای مورد مطالعه و مقطعی بودن کلاس‌های نهضت سوادآموزی بوده است. با توجه به آگاهی بسیار اندک زنان روستایی در خصوص منابع طبیعی و برنامه‌های مختلف آن، لازم است کلاس‌های آموزشی توسط آموزش‌گر زن تشکیل شده و همچنین اقدام به برقراری فعالیت‌های حفاظتی-احیایی در منطقه با مشارکت زنان شود. برای تحقق این امر، افزایش سطح سواد زنان بسیار مهم است. از سوی دیگر علت اصلی فعالیت‌های تخریبی زنان، عدم وجود امکانات رفاهی از جمله جایگاه‌های سوخت فسیلی، تأمین مصالح ساختمانی، توزیع علوفه و کنساتره دامی، واگذاری مراتع به روستاییان و اعطای پروانه بهره‌برداری به آنان و نیز مشکلات اقتصادی و نبود اعتبارات و تسهیلات مناسب برای بهبود شرایط زندگی و کاری ساکنان محلی، بوده است که مطمئناً در صورت تأمین این امکانات متناسب با شرایط، روستائیان بی‌هیچ مقاومتی از آنها استفاده نموده و اصرار خاصی برای تخریب منابع طبیعی نخواهند داشت. در این راستا مواردی به عنوان راهکار پیشنهاد می‌شود:

۱- اجرای برنامه‌های آموزشی مرتبط با منابع طبیعی در سطح روستاها و فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل برای زنان و دختران روستایی منطقه به منظور ارتقاء سطح دانش و آگاهی زنان در زمینه‌های مختلف و از جمله منابع طبیعی و توسعه پایدار؛

۲- حمایت از تشکیل تشکلهای زنان در منطقه با محوریت منابع طبیعی، همراه با واگذاری زمین‌های طرح مشارکت مردمی نهال‌کاری- صیفی‌کاری موجود در مناطق به زنان روستائی.

۳- استفاده از نیروی بومی و آشنا با فرهنگ و آداب و رسوم منطقه جهت آموزش زنان؛

۴- ایجاد تسهیلات ویژه، اعطای وام‌های بانکی و اعتباری به صورت وام‌های بلند مدت با بهره پائین

جهت فعالیت‌های زنان در انجام طرح‌های حفاظتی و احیایی که سبب افزایش انگیزه آنان می‌شود؛

نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی ۱۳۵

۵- تأمین سوخت‌های فسیلی برای روستاها از طریق ماشین‌های سیار، جایگاه‌های دائم فروش و عرضه سوخت با توجه به نفت‌خیز بودن استان؛

۶- تنظیم زمان پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی با توجه به ساعات بی‌کاری و اوقات فراغت زنان در سطح روستاها.

منابع

- بینا، لادن (۱۳۸۲) بررسی نقش مشارکت زنان در مقابله با بیابان‌زایی و عوامل مؤثر در مشارکت آنان در بیابان‌زدایی در حوزه آبخیز حبله‌رود در استان سمنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- خانی، فضیله (۱۳۷۵) جایگاه و نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- خانی، فضیله (۱۳۸۵) جنسیت و توسعه، پژوهش‌کده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- روانبخش، مکرم (۱۳۸۳) نقش زنان در دستیابی به توسعه پایدار، مجله فرهنگ گیلان، شماره ۲ و ۱.
- شفیعی، رضا (۱۳۸۰) سیمای منابع طبیعی استان خوزستان، اداره کل منابع طبیعی خوزستان، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور.
- غنیان، منصور و کیومرث زرافشانی (۱۳۷۵) بررسی فعالیت‌های ترویجی کشورهای مختلف در زمینه حفظ و احیاء جنگل‌ها، مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان، جلد دوم، صص: ۲۶۸-۲۷۹.
- غنیان، منصور (۱۳۸۱) جزوه درسی "توسعه کشاورزی پایدار" دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، فصل چهارم، صص: ۶۳-۵۰.
- قدیری معصوم، مجتبی و همکاران (۱۳۸۴) بررسی آماری روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۴، صص: ۱۷۲-۱۵۳.
- قلی‌زاده، آ. (۱۳۷۸) بررسی علل نادیده گرفتن زنان روستایی در فرآیند توسعه در کشورهای در حال توسعه، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۷، صص: ۴۲-۳۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵.

Bardhan, P. K. (1984) *Land, Labour and Rural Poverty*, Oxford, Delhi.

Eliot .T.S. ; Jackson, Sh. & A. Enssin (2007) *Women in Wasteland, Gendered Desserts*, *Journal of Gender Studies*, Vol. 14, No. 3, November, pp: 205-216 (12), Routledge. Sited in: www.ingentaconnect.com.

Faringten J. ; Turton, C. and A.J. James (1999) *Participatory Watershed Development :Challenges for the Twenty- first Century*, Oxford University, New Delhi.

Hatfield, S. B. (2003) *Gender and Environment*, Rutledge.

Keller, Evelyn F. (1985) *Reflections on Gender and Science*, New Haven: Yale University Press.

Kerr. J. (2002) *Watershed Development, Environment Services and Poverty Alleviation in India* , Michigan State University.

Roda, Annabel (1997) *Women and the Environment*, Zed Book Ltd.

Venkateswaran, S. (1995) *Environment, Development and the Gender Gap*, Sage Publications.